



Iranian Sociologists and Predicting Changes in the Family Institution in Iran (A Critical Study)

Zeynab Kavehfirouz¹ | Mohammadreza Javadi Yeganeh² | Mohammad Aghasi³

1. Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, Khwarazmi University, Tehran. Iran.

E-mail: z.kavehfirouz@gmail.com

2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran. Iran. E-mail: myeganeh@ut.ac.ir

3. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, Khwarazmi University, Tehran. Iran. E-mail: mohammad.aghasi61@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 16 August 2022

Received in revised form: 14 December 2022

Accepted: 29 December 2022

Published online: 13 February 2023

Keywords:

Iranian Sociologists,

Prediction, Family, Social

Changes, Future.

ABSTRACT

The increasing complexity and, as a consequence, the self-sufficiency and independence of institutions relative to social agents is one of the problems of contemporary societies. In the course of modernization, institutions attain an objectivity that is independent of their actors. This complexity of the community management process creates issues that necessitate a focus on the future and an ability to anticipate trends and processes. Prediction is one of the neglected scientific properties in Iranian sociology. In such a way that sociology in Iran has not made an endeavor in the past fourteen decades to predict the future of a particular institution or field change. Nevertheless, sociologists have made accurate predictions unconsciously. In contrast to the prevailing trend of sociology in the rest of the world, where the future of social institutions, including the family, has received more attention, sociologists in our country have studied a variety of social changes, including revolutions and social movements. This article seeks to analyze the Iranian sociologists' perspectives on the changes in the Iranian family as reflected in their writings, in order to classify and quantify their views on the future of the Iranian family.

To answer the question posed above, "what predictions have Iranian sociologists made regarding the Iranian family in terms of marriage, family size, and divorce?" The most effective method is gap analysis, which was initially utilized in engineering and has since been adapted for use in market research.

In Iran, there are two distinct perspectives on the future. The first model is the result of a decade's worth of work by futurists, which has grown increasingly potent over the past five years. Sociologists have a unique perspective on the future. They have rarely claimed the ability to predict the future, but they have expressed concern about family-related future events. Among all sociological theories, two instances can be stated with clarity. First, none of them have claimed to be able to predict the family's future, even if they have done so in the past. Next, none of them employed conventional futuristic methods in today's world. Yet, a substantial portion of future researchers' research methods are derived from sociology as well. Sociology is a diverse tradition in contemporary world studies of the future. In the sphere of method, however, those who discussed the future of the family did not explicitly mention the futuristic method.

Contrary to popular belief, Iranian society can be foretold through survey research. This is also evident in the realm of the family.

Cite this article: Kavehfirouz, Z., Javadi Yeganeh, M. R., & Aghasi, M. (2023). Iranian Sociologists and Predicting the Family's Future. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12(1),293-308. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.347277.1331>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.347277.1331>

جامعه‌شناسان ایرانی و پیش‌بینی تغییرات نهاد خانواده در ایران

(یک مطالعه انتقادی)

زینب کاوه فیروز^۱ | محمدرضا جوادی یگانه^۲ | محمد آقاسی^۳۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، رایانامه: z.kavehfiroz@gmail.com۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: myeganeh@ut.ac.ir۳. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، رایانامه: mohammad.aghasi61@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۳/۱۶

کلیدواژه‌ها:

آینده، پیش‌بینی، تغییرات اجتماعی، جامعه‌شناسان ایرانی، خانواده.

یکی از مشکلات جوامع امروزی پیچیدگی روزافزون و به تبع آن خودبسندگی و استقلال نهادها برابر عاملین اجتماعی است. در فرایند مدرنیزاسیون، نهادها، عینیتی مستقل از کنشگران پیدا می‌کنند. این پیچیدگی فرایند مدیریت جامعه را دچار مسائلی می‌کند که توجه به آینده و پیش‌بینی روندها و فرایندها را می‌طلبد. پیش‌بینی، یکی از خواص فراموش شده علم در جامعه‌شناسی ایرانی است. به گونه‌ای که تقریباً جامعه‌شناسی در ایران طی چهاردهه گذشته کوششی برای اعلان آینده پیرامون نهادی خاص و با تغییراتی در یک حوزه نداشته است. با این وجود به صورت ناخودآگاه، جامعه‌شناسان پیش‌بینی‌هایی داشته‌اند که محقق شده است. برخلاف جریان غالب جامعه‌شناسی در جهان که آینده نهادهای اجتماعی از جمله خانواده بیشتر مورد توجه بوده است، جامعه‌شناسان در کشور ما، بیشتر پدیده‌هایی که نماد تغییرپذیری جامعه هستند، همچون انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی را به عنوان انواع مختلفی تغییرات اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مقاله بر آن است با بررسی نگاه جامعه‌شناسان ایرانی پیرامون تغییرات خانواده ایرانی که در مقالات آنان منعکس شده است، آن‌چه در لابلای متون به عنوان نگاه به آینده خانواده ایرانی بوده است را دسته بندی و احصا نماید.

برای پاسخ به این سؤال که «جامعه‌شناسان ایرانی چه پیش‌بینی‌هایی درباره خانواده ایرانی در ابعاد ازدواج، بعد خانواده و طلاق داشته‌اند» بهترین روش استفاده از تحلیل شکاف است که ابتدا در فضای مهندسی و به مرور زمان در مطالعات بازار استفاده شد.

در ایران با دو نوع نگاه به آینده روبه‌رو هستیم. اولین مدل کار محققان آینده در دهه اخیر است که در پنج سال پیش قدرتمندتر شده است. جامعه‌شناسان نگاه دیگری به آینده دارند. آن‌ها تقریباً هرگز ادعای پیش‌بینی نکرده‌اند، اما درباره رویدادهای آینده به‌ویژه در خصوص خانواده ابراز نگرانی کرده‌اند. در میان تمام نظریه‌های جامعه‌شناسان دو مورد را می‌توان به وضوح بیان کرد؛ اول اینکه هیچ‌یک از آن‌ها ادعا نکرده‌اند آینده خانواده را پیش‌بینی می‌کنند، حتی اگر در عمل چنین کرده باشند. نکته بعدی این است که هیچ‌کدام از آن‌ها از روش‌های متعارف آینده‌نگر در دنیای امروز استفاده نکرده‌اند. البته بخش قابل توجهی از روش تحقیق آینده‌پژوهان نیز برگرفته از جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسی سنتی غنی در مطالعات آینده جهان معاصر است. با وجود این، در حوزه روش کسانی که از آینده خانواده صحبت کردند، به صراحت از روش آینده‌نگر سخنی نگفتند.

جامعه ایران را برخلاف آنچه شناخته شده است، می‌توان با مطالعه‌ای پیمایشی پیش‌بینی کرد. این موضوع در حوزه خانواده نیز کاملاً مشهود است.

استناد: کاوه فیروز، زینب جوادی یگانه، محمدرضا و آقاسی، محمد (۱۴۰۲). تبیین امکان پیش‌بینی‌پذیری تغییرات خانواده ایرانی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.347277.1331>. ۳۰۸-۲۹۳(۳)۱۲



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.347277.1331>

۱. مقدمه و طرح مسئله

در جهان امروزی و با رشد الگوهای جدید روابط جنسی، همچون گسترش شدید روابط جنسی پیش از ازدواج، روابط جنسی خارج از ازدواج، هم‌خانگی، همجنس‌گرایی و حتی الگوهای جدید روسپی‌گرایی، که همه محصولات متنوع تفکر مدرن هستند، خانواده همچنان مصداق بارز قانون‌مند کردن امر جنسی با هدف فرزندآوری، توالد و ازدیاد نسل است. البته مبنای تغییرات جدید خانواده و مطالعه پیرامون آن نیز از آنجا آغاز شد که روابط جنسی به میزان فراوانی از ازدواج جدا شده و در چارچوبی غیر از خانواده به آن پرداخته شده است (لکاسکس و استنکوسی، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۶: ۱). امروزه جوانان در بسیاری از نقاط دنیا و به‌ویژه جوامع غربی، کمتر و دیرتر ازدواج می‌کنند و به سمت «گونه‌های متعدد و جدید» روابط جنسی سوق یافته‌اند. در این کشورها، مفهوم عشق، سیال و ناپایدار شده است. همچنین عشق ابدی در حال فراموشی بوده و عشق گذرا و موقتی ارزش و قیمت یافته است (باومن، ۱۳۸۷: ۱۵). البته تغییرات خانواده در یک زمان صورت نگرفته است و به‌نظر می‌رسد پیش‌بینی‌پذیر بوده و در یک بعد نبوده است؛ زیرا به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، در چند دهه گذشته تحولات بزرگی در حوزه خانواده رخ داده است. خانواده‌های پرجمعیت تقریباً در بسیاری از کشورها ناپدید و خانواده‌های هسته‌ای روزبه‌روز هسته‌ای‌تر و کوچک‌تر شده‌اند. بررسی‌های آینده حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰ رشد چشمگیری در زیست‌های تک‌نفره به‌وجود می‌آید که تقریباً هیچ ارتباط خانوادگی با دیگران ندارند و به شکل مجردی زندگی می‌کنند. بی‌توجهی امروز به خانواده درحالی صورت می‌پذیرد که در گذشته و در جوامع سنتی، فرد به‌محض احساس نیاز اقدام به تشکیل خانواده می‌کرد. گرچه ازدواج همچنان اهمیت بسیاری دارد، این امر برای برخی افراد محقق نمی‌شود و تعدادی از مردان و زنان در سن ازدواج برای همیشه مجرد باقی می‌مانند (آبرکرامی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). جالب است که تفسیرهای شایع در قرن نوزدهم با استناد به رواج فردگرایی، اخلاق آسان و سست‌شدن قوانین طلاق در مجموع فروپاشی خانواده را پیش‌بینی کرده بود.

حامیان خانواده چنین کاهشی را عاملی مطمئن برای بروز بیشتر مصیبت‌های اجتماعی می‌دانستند و به‌دنبال داده‌ها و راه‌حل‌های اجتماعی مطمئن بودند. برخی تلاش می‌کردند جامعه‌شناسی را به‌منزله رشته‌ای علمی و عینی ایجاد کنند. کار علمی به‌طور خاص درباره مسائل خانواده قبلاً تکمیل شده بود. مدت کوتاهی پس از انتشار گزارشی درباره آمار ازدواج و طلاق که اداره سرشماری ایالات متحده در سال ۱۸۸۹ ارائه داد، والتر ویلکاکس مسئله طلاق: مطالعه‌ای در آمار (۱۸۹۱) را تکمیل کرد. همچنین مطالعه خانواده را به‌منزله نهادی قوی و انعطاف‌پذیر معرفی و طلاق را با شرایط اجتماعی مرتبط کرد. قراردادن تغییر خانواده به‌منزله متغیری وابسته و قراردادن طلاق در معرض تجزیه و تحلیل جمعیت‌شناختی دو شاخص قوی از علم نوظهور خانواده بودند که به‌نسبت مستقل از نگرانی‌های اخلاقی محسوب می‌شدند. این نوع تحلیل همچنین نیازهای علمی برای پیش‌بینی آینده خانواده را برآورده می‌کند.

تأکید بر پیش‌بینی‌ناپذیری جامعه ایرانی، از مجرای ناتوانی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی از پیش‌بینی درحالی است که بنیان‌گذاران این رشته، آن را رشته‌ای پیش‌بینی‌کننده می‌دانستند. البته تأکید و توصیه بر پیش‌بینی‌نکردن در سنت مرسوم جهانی نیز رخ داده است. درست برخلاف قاعده آگوست کنت، با پایان قرن بیستم و با توجه به نقد جدی سنت‌های پوزیتیویستی، پیش‌بینی به تابوی جامعه‌شناسی تبدیل شد. در کشور ما مطالعات آینده‌نگری براساس روش‌های علمی رشد چندانی نداشته است و به‌طور معمول پرسش‌هایی درباره آینده را با ارجاع به گزاره‌های ایدئولوژیک یا آرزوها و آرمان‌ها پاسخ می‌دهند، ولی پیچیدگی روزافزون و رقابت نفس‌گیر میان کشورهای جهان، مجال را برای چنین رویکردهایی تنگ کرده و راه را برای مطالعات آینده‌نگری باز کرده است (عبدی و گوردزی، ۱۳۹۶: ۱۲). برخلاف جریان غالب جامعه‌شناسی در جهان که آینده‌نهادهایی چون خانواده بیشتر مدنظر بوده است، پرسش از آینده در فرایند رشد و تغییر سریع جوامع به‌وجود آمد و مفهوم تغییر اجتماعی که یکی از مفاهیم پرکاربرد جامعه‌شناسی است، مدنظر

جامعه‌شناسان قرار گرفت که در عین حال، محور بررسی در حوزه‌های سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری نیز محسوب می‌شود. در این مقاله، از لابه‌لای تبیین نظرات جامعه‌شناسان ایرانی پیرامون خانواده و تغییرات آن، به‌نوعی پیش‌بینی آنان از آنچه درباره آینده خانواده گفته‌اند استخراج و بیان شده است. با توجه به اینکه ابعاد خانواده پیچیده است، سه محور ازدواج، طلاق و بعد خانواده ارزیابی شده است.

۲. چارچوب نظری

پیچیدگی یکی از ویژگی‌های اصلی و اساسی جوامع انسانی است. انسان هم خود موجود پیچیده‌ای است و هم جایی که در آن زندگی می‌کند پیچیده است. میان پیچیدگی و آشوبناکی، قرابت ظاهری بیشتری وجود دارد. پیش‌بینی و تلاش برای پیش‌بینی راه تفوق بر پیچیدگی است. البته رؤیای پیچیدگی تا تحقق آن فاصله بسیاری دارد. فهم نظم در سیستم‌های پیچیده یا نظم در عین بی‌نظمی اهمیت بسزایی دارد. در بسیاری از سیستم‌های پیچیده که رفتاری خودسازمانده دارند، سازوکارهایی تخصصی برای منظم کردن بازخوردها و مرتبط کردن آن‌ها با یکدیگر تکامل یافته است (وکیلی، ۱۳۸۹: ۴۳). نقاطی که هریک نشانگر وضعیت خاص سیستم هستند و در مجموع زنجیره‌ای را ایجاد می‌کنند که بر محور زمان گسترش می‌یابد و پویایی کلی سیستم را نشان می‌دهد (میچل، ۱۴۰۰: ۴۳۶). تصادفی یا انتخابی بودن رفتار سیستم، به عاملی به نام پیچیدگی مربوط می‌شود. پیچیدگی را معمولاً در تضاد با واژه سادگی می‌فهمیم. سادگی در زبان‌های غربی به منزله چیزی که زمانی پیچیده بوده است، ولی دیگر نیست فهمیده می‌شود. سیستمی که تعداد عناصر و تعداد تراکم روابط بینشان بیشتر باشد، پیچیده‌تر است (وکیلی، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶). با در نظر گرفتن این مطلب که جامعه نیز سیستمی پیچیده است، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چرا سیستم‌هایی وجود دارند که پیش‌بینی‌ناپذیرند. این سؤال در برابر مفهوم آشوب مطرح می‌شود. آشوب رفتار سیستمی است که به‌صورت تناوبی و شبه‌تناوبی رفتار نکند و همچنین در وضعیت تعادل پایدار نباشد. پویایی شبه‌تناوبی رفتاری در سیستم‌ها است که به حالت تناوبی شباهت دارد، اما الگوی چرخه‌های طی شده پیچیده‌تر است و سیستم ممکن است از چندین چرخه تودرتو یا پیاپی، گاه بدون نظم مشخصی عبور کند (وکیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۶؛ میچل، ۱۴۰۰: ۴۲۸-۴۵۷).

با صنعتی شدن جوامع، پیچیده‌تر شدن آنان نیز شکل گرفت. زایدرفلت (۱۴۰۰: ۷۹) تولد جامعه مدرن را ناشی از سلسله انقلاب‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، علمی و فنی می‌داند و معتقد است انقلاب، داغ و نشان اصلی تمدن غربی است. او با وجود توجه به وجوه انضمامی نظریه‌پردازی می‌گوید جامعه صنعتی، جامعه‌ای انتزاعی است. نظریه «جوامع پیچیده» روایت جامعه شناختی تری از ایده عینیت‌یابی است که با پرهیز از کلی‌گویی‌های فلسفی، شبیه آنچه در آرای جامعه‌شناسان کلاسیک دیده می‌شود، پیامدهای منفی پیچیدگی اجتماعی را توصیف می‌کند. پیش‌فرض تلویحی این نظریه تبدیل جامعه به کلیتی «خودهدایت‌گر» یا چنان که هابرماس می‌گوید سیستم «خودمحسوری» است.

زولو (۱۹۹۲) یکی دیگر از نظریه‌پردازان جامعه پیچیده، بر این باور است که دموکراسی در جوامع مدرن بیش از آنکه ریشه در نظام اجتماعی و تعاملات کنشگران داشته باشد، به سازوکار رقابتی خودبسندگی تبدیل شده است که تنها میان احزاب به‌مثابه نهادی رسمی وجود دارد، اما جامع‌ترین دیدگاه درباره جامعه پیچیده از آن یورگن هابرماس، یکی از مهم‌ترین اندیشمندان نظریه انتقادی است. دیدگاه هابرماس در باب جامعه پیچیده مستلزم پذیرش چارچوب مفهومی است که در ظاهر با سنت نظری او به‌منزله نومیاریست در تعارض است. هابرماس با استفاده از چارچوب مفهومی دیدگاه سیستمی که خود برگرفته از نظریه محافظه‌کارانه «کارکردگرایی» است، ساخت‌های مختلف و در عین حال تمایز یافته ساختار اجتماعی جامعه مدرن را نشان می‌دهد. تقسیم‌بندی

هابرماس از قلمروهای چندگانه واقعیت اجتماعی مطابق با مقتضیات دیدگاه‌های انتقادی او، به‌خصوص دل‌مشغولی همیشگی او یعنی «کنش ارتباطی» و قدرت‌رهایی‌بخشی آن در «حوزه عمومی» مطرح شده است.

مفاهیم پیچیدگی، آشوبناکی و پیش‌بینی، در قالب‌های جدیدتری طرح شده‌اند؛ برای نمونه آلن تورن (۱۴۰۰: ۱۶۱) یکی از کسانی است که پیرامون پیچیدگی جامعه سخن می‌گوید. او درباره رسیدن به جامعه‌ای می‌گوید که توانایی بیشتری برای مداخله در خود دارد و آن را جامعه پسا صنعتی می‌نامد. او نشانه‌های فراوانی از این جامعه را برمی‌شمارد، اما نکته تعیین‌کننده را آن می‌داند که در جامعه پسا صنعتی، تمام تلاش نظام اقتصادی، مداخله بیشتر در جامعه خودش است؛ از این‌رو او جامعه پسا صنعتی را «جامعه برنامه‌ریزی شده» می‌خواند. این جامعه گویای توانایی آفرینش الگوهای مدیریت، تولید، سازمان‌دهی، توزیع و مصرف است؛ تا جایی که این جامعه در تمام سطح کارکردی، به‌مثابه تولید کنشی ظاهر می‌شود که جامعه برای خودش اعمال می‌کند، نه آن پیامد قوانین طبیعی با خاص‌گرایی‌های فرهنگی (تورن، ۱۴۰۰: ۱۶۳). او در مقابل پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های گریزناپذیر دنیای مدرن امر برنامه‌ریزی را پیشنهاد می‌کند؛ چنان‌که زتومکا درباره اعتماد درونی جامعه بر پیش‌بینی‌پذیری تأکید می‌کند (حاجبانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶). در جامعه پیش‌بینی‌ناپذیر، امکان برآمدن محیط آنومیک بیشتر است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و نکته مهم اینجاست که وقتی به مفهوم برنامه‌ریزی توجه شود، مترادف آن حرکت به سمت فردا و آینده نیز موضوعیت می‌یابد. البته باید توجه داشت به موازات توجه به جامعه و پیچیده‌شدن آن، مفهوم آینده نیز دچار تغییرات شگرفی شده است.



نمودار ۱. چارچوب مفهومی صحت پیش‌بینی

۳. روش تحقیق

با نگاهی به تاریخ می‌توان دریافت پیش‌بینی و جامعه‌شناسی همواره با هم مرتبط بوده‌اند. جامعه‌شناسی از نگرانی با پیش‌بینی رشد کرده است و همواره تأمین دانش پیش‌بینی‌کننده را یکی از اهداف آشکار خود دانسته است. با این حال مطالعات تجربی به‌نسبت کمی به‌طور خاص به تولید آن پرداخته‌اند؛ بنابراین اهمیت مطالعات پیش‌بینی به همان اندازه در فهم روش‌شناختی مهم است. نگاهی

شبکه‌ای به جامعه، امکان پیش‌بینی آن و نیز آینده جامعه را به محقق می‌دهد. در این مقاله، بستر زمان، محمل فهم و درک خانواده و تغییرات آن خواهد بود. امروز، آینده تغییراتی است که از دیروز پیرامون خانواده صورت گرفته و ما به دنبال پیش‌بینی‌های صورت گرفته پیرامون خانواده در ایران هستیم. در واقع صحت پیش‌بینی و دقت آن در تخمین واقعیت محقق شده مدنظر است. به معنای دیگر آنچه اهمیت دارد، این مطلب است که کدام سازوکار فهم درک جامعه، قدرت پیش‌بینی تغییرات را داشته است. مهم اینجاست که با درک این سازوکار، راه برای درک تغییرات بعدی و سیاست‌گذاری آتی گشوده خواهد شد. برای تشخیص صحت و دقت در پیش‌بینی‌ها ملاک‌هایی را می‌توان در نظر داشت از جمله: صحت درونی داده‌ها شامل دقت داده‌های استفاده شده برای پیش‌بینی مبتنی بر تأیید جامعه علمی؛ زمان مند بودن پیش‌بینی به معنای داشتن افق زمانی مشخص برای پیش‌بینی و نبود بازبودگی؛ داشتن مدل نظری؛ مشخص بودن فرایند و روش‌شناسی پیش‌بینی و تکنیک برای تحلیل داده‌ها شامل درهم‌آمیختگی و پیوستگی استفاده از داده‌های کمی و کیفی در تناسب با هدف تعریف شده؛ داشتن موضوع و مسئله واضح و مشخص؛ داشتن تحلیل و توصیف وضعیت صفر یا وضعیت جاری برای مقایسه با پیش‌بینی؛ مشخص و مفهوم بودن پیش‌بینی‌ها، اجتناب از اطناب و کلی‌گویی؛ مشارکتی بودن پیش‌بینی، اتکانکردن به قضاوت‌های شخصی تحلیلگر و مبتنی بر کار تیمی؛ علنی و آشکار بودن پیش‌بینی در فضای عمومی به معنای انتشار عمومی پیش‌بینی و پرهیز از ذهنیت‌گرایی ضمن توجه به تخیل جامعه‌شناختی یا نگره‌های آینده‌پژوهانه؛ و توجه به عدم قطعیت‌ها به معنای توجه به شگفتی‌سازها و تلاطم‌ها (حاجیانی، ۱۳۹۰).

برای پاسخ‌دهی به سؤال «جامعه‌شناسان ایرانی چه پیش‌بینی‌هایی درباره خانواده ایرانی در ابعاد ازدواج، بعد و اندازه خانواده و طلاق داشته‌اند» بهترین روش استفاده از تحلیل شکاف است که ابتدا در فضای مهندسی و به‌مرور زمان در مطالعات بازار استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل شکاف که در ادبیات روش‌های تحقیق بازاریابی استفاده می‌شود، فاصله میان روش وضعیت مطلوب، وضعیت حال حاضر محیطی محصول و روندهای طی شده و روندهایی که باید طی بشود، مدنظر قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل شکاف به‌منزله روشی برای ارزیابی تفاوت بین عملکرد واقعی و عملکرد مورد انتظار در سازمان یا کسب‌وکار تعریف می‌شود. اصطلاح «شکاف» به فضای بین «جایی که هستیم» (وضعیت فعلی) و جایی که «می‌خواهیم باشیم» (وضعیت هدف) اشاره دارد. با تجزیه و تحلیل شکاف می‌توان سهم پیش‌بینی از خانواده ایرانی را به‌خوبی مشخص کرد. در این روش، تفریق میان وضعیت مطلوب و وضعیت حال یا فعلی یا مورد نظر می‌تواند بیانگر صحت پیش‌بینی‌ها باشد. روش دیگر تحلیل محتوا خواهد بود که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه‌رهنمودی به‌کار بست (کیوی، ۱۳۸۰: ۲۲۰)؛ بنابراین از آنجا که متون جامعه‌شناسان و کسانی که به مطالعات خانواده پرداخته‌اند بررسی می‌شود، باید از این روش کمک گرفت. برای مطالعه درباره نظریه‌های مطرح شده در چند بخش این کار صورت می‌گیرد:

بخش اول: از میان حدود پانصد نفر از کسانی که در ایران درباره خانواده کار کرده‌اند و مقاله مشخص داشته‌اند، کسانی که در نسبت با موضوع و عنوان مشخص کاری انجام داده‌اند انتخاب می‌شوند. همچنین برای تدقیق دقیق‌تر نام‌آوران و چهره‌هایی که احتمال می‌دهیم پیرامون پیش‌بینی خانواده اظهار نظر کرده‌اند نیز به‌صورت مجزا بررسی صورت گرفته است. در صورتی که در این باره سخن به میان آمده باشد، در بررسی نهایی قرار می‌گیرند.

بخش دوم: آمار مراکز آماری از جمله مرکز آمار ایران و سازمان ثبت‌احوال برای بررسی پیش‌بینی‌های صورت گرفته و همین‌طور ترسیم وضعیت فعلی خانواده احصا می‌شود. در این باره تنها داده‌های مربوط به ازدواج، طلاق و بعد خانواده بررسی می‌شوند.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. وضعیت کنونی خانواده ایرانی

پیش از بررسی وضعیت پیش‌بینی‌ها ضروری است درباره وضعیت فعلی خانواده در ایران تصویر مناسبی داشته باشیم. از نظر ریخت‌شناسی و بعد خانواده، طی سال‌های اخیر، بر تعداد خانوارهای یک‌نفره، زوجین بدون فرزند و خانواده‌های تک‌والد افزوده و از میزان خانواده‌های هسته‌ای و خانواده‌های گسترده کاسته شده است. در سال ۱۳۹۰، بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار یک‌نفره داشته‌ایم؛ در حالی که در سال ۱۳۹۵ این تعداد به ۲۰۴۶۳۱۷ مورد افزایش یافته است. همچنین تعداد خانوارهای تک‌نفره و تک‌والد با سرپرست زن در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۱,۳۵۹,۵۵۳ و ۵۲۰,۳۲۷ است که معادل ۶۶/۴۳ درصد و ۷/۵۷ درصد خانوارهای تک‌نفره و خانوارهای تک‌والد هستند. در عین حال ۳۱۳,۷۴۷ نفر از مردان خودسرپرست زیر ۴۰ سال دارند که معادل ۴۶ درصد کل مردان خودسرپرست است. به عبارت دقیق‌تر تعداد زنان خودسرپرست (به‌ویژه برای سنین ۴۰ به بالا بیش از مردان است) با افزایش سن در مقایسه با مردان افزایش یافته است. بیشترین تعداد سرپرستان خانوارها در مردان ۳۰ تا ۳۹ ساله و در زنان ۷۰ سال به بالا هستند. دربارهٔ موالید براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ میزان باروری کل ایران رقمی برابر با ۲/۱ فرزند محاسبه شد. این شاخص در سال ۱۳۹۰ برابر ۱/۸ فرزند محاسبه شده بود. میزان باروری کل ایران برای نقاط شهری کمتر از سطح جانشینی و برابر ۱/۸۶ فرزند و در نقاط روستایی بالاتر از سطح جانشینی و برابر ۲/۴۸ فرزند به‌دست آمد. میانگین سن مادران در ولادت‌های ثبت‌شده در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۸/۴ و ۲۸/۷ سال است. در سال ۱۳۹۵ بیشترین تعداد مادران هنگام تولد فرزند خود در سنین ۲۵ تا ۲۹ بودند. البته روند افزایشی سن مادران در ولادت‌های ثبت‌شده می‌تواند ناشی از افزایش سن مادران در اولین تجربه فرزندآوری یا گرایش خانواده‌های تک‌فرزند به برنامه‌ریزی برای تولد فرزندان بعدی (در سنین بالاتر) مرتبط شود. سهم هریک از این دو گزاره با انجام مطالعات جداگانه مقذور خواهد بود. مطالعه‌ای نسلی در ثبت‌احوال روی زنانی که در سال ۱۳۹۱ ازدواج کرده و تا سال ۱۳۹۵ با ولادت اولین فرزند خود مادری را تجربه کرده‌اند نشان داده است ۴۳/۷ درصد زنانی که در سال ۱۳۹۱ ازدواج کرده‌اند تا نیمه سال ۱۳۹۵ تنها یک فرزند به دنیا آورده‌اند. همین بررسی نشان می‌دهد میانگین فاصلهٔ ازدواج تا ولادت اولین نوزاد برای زنانی که در سال ۱۳۹۱ ازدواج کرده‌اند، ۲ سال بوده است. در سال ۱۳۹۵ بعد خانوار کاهش یافته است و در حال حاضر متوسط تعداد افراد خانوار در کشور ۳/۳ نفر و زیر حد جایگزینی است.

تغییرات سن ازدواج یکی از نمودهای دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در سال‌های اخیر است. طی سال‌های اخیر تعداد ازدواج ثبت‌شده کاهش قابل‌توجهی داشته است؛ به‌گونه‌ای که نرخ خام ازدواج سالانه کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۶۷۳,۶۵۸ رسیده که معادل ۸/۵۵ در هزار نفر جمعیت و در سال ۱۳۹۶ به ۷/۵۶ در هزار نفر رسیده است. میزان عمومیت ازدواج در سال ۱۳۹۵، ۹۶/۲ درصد گزارش شده است. طی سال ۱۳۹۵، نرخ تأهل مردان ۲۰ تا ۳۴ ساله ۴,۴۵۰,۴۰۸ نفر و زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله ۷,۱۷۴,۲۸۵ نفر گزارش شده است. میانگین سن در اولین ازدواج زنان و مردان در کشور در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۳ و ۲۷/۴ سال است؛ در حالی که تعداد ازدواج ثبت‌شده مربوط به مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله با زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله ۹۸,۹۲۷ گزارش شده است که ۱۴ درصد کل موارد ازدواج در این سال است. در فاصلهٔ دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و عمومیت ازدواج با ۱ درصد تغییر از ۹۷۰۲ در سال ۱۳۹۰ به ۹۶۰۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در مقابل در مدت مشابه مجرد قطعی زنان با ۳۲ درصد تغییر از ۲۰۸ در سال ۱۳۹۰ به ۳۰۸ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نرخ مجرد مردان در سال ۱۳۹۵ در مردان برای سنین ۲۵ تا ۳۴ ساله ۲,۷۷۴,۶۴۶ نفر است. این آمار برای نرخ مجرد زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله ۲,۱۴۴,۴۹۷ نفر است. در سال ۱۳۹۵ بیشترین فراوانی ازدواج برای زنان، در سن ۱۸ سالگی (۶/۴ درصد از کل ازدواج‌ها) بوده

است که ۲/۲ درصد از آن‌ها هم‌سن و ۹۶/۵ درصد از آن‌ها کوچک‌تر از همسران خود بوده‌اند. بیشترین فراوانی ازدواج برای مردان در سال ۱۳۹۵، در ۲۶ سالگی (۸/۱ درصد از کل ازدواج‌ها) بوده است. با بررسی‌های بیشتر درمی‌یابیم رفتار گسست خانواده در اثر طلاق در کشور، وضعیتی باثبات و نه لزوماً رو به فزونی دارد. وقوع طلاق در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۱ کاهش داشته است. بیشترین فراوانی ازدواج در سال ۱۳۹۵، مربوط به زنان ۵۱ ساله با مردان ۲۹ ساله است؛ درحالی‌که بیشترین طلاق‌های صورت گرفته در این سال مربوط به زنان ۲۱ ساله از مردان ۹۵ ساله است. نسبت جمعیتی که در وضعیت طلاق به سر می‌برند، در سال ۱۳۹۵ در میان افراد بالای ۱۰ سال ۲ درصد است. به عبارت دیگر تعداد ۳۹۸،۶۷۷ نفر از مردان و ۶۱۱،۰۹۸ نفر از زنان در این سال طلاق گرفته‌اند و بدون همسر هستند. در سال ۱۳۹۱، میانگین سن زنان در زمان طلاق ۲۹ و برای مردان ۳۴ بوده است؛ درحالی‌که در سال ۱۳۹۵ این ارقام ۳۱ و ۳۶ بوده است. در میان زنان ایرانی در سال ۱۳۹۵، بیشترین فراوانی طلاق در ۲۷ سالگی (۴/۵ درصد از کل طلاق‌ها) بوده است که ۱۰/۳ درصد آن‌ها از همسران خود بزرگ‌تر، ۶/۹ درصد آن‌ها هم‌سن و ۸۲/۸ درصد آن‌ها کوچک‌تر از همسران خود بوده‌اند. همچنین در میان مردان ایرانی در این سال بیشترین فراوانی طلاق در ۳۰ سالگی (۵/۲ درصد از کل طلاق‌ها) بوده است که ۱۴/۵ درصد از آن‌ها از همسرانشان کوچک‌تر، ۶/۵ درصد هم‌سن و ۷۹ درصد آن‌ها از همسرانشان بزرگ‌تر بوده‌اند.

۴-۲. پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسان از آینده خانواده

از میان پیمایش‌های مطالعه‌شده، دو پیمایش متناسب با آینده سخن گفته‌اند. البته مطالعه پیمایش‌ها بیانگر آن است که می‌توانسته‌اند منبع پیش‌بینی باشند، اما در گزارش‌های منتشرشده در این باره مطلبی مشاهده نشده است. پیمایش نخست پیمایشی است که با محوریت طهرانیان و اسدی در سال ۱۳۵۳ انجام شده و از اساس محور مطالعه‌ای برای ترسیم آینده بوده است. البته در این مقاله تنها بخش‌هایی مرتبط با سه بخش مورد مطالعه خانواده بررسی شده و در دل این پیمایش، مطالب بیشتری پیرامون آینده مطرح شده است؛ تا جایی که برخی معتقدند این پیمایش به‌نوعی پیش‌بینی تغییراتی وسیع از جمله انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ را نیز دربر داشته است. اسدی و طهرانیان در این پیمایش با تکیه بر اینکه گرایش به فرزند کمتر در میان خانوارهای وابسته به صاحبان مشاغل آزاد و کارمندان عالی‌رتبه (در مقایسه با کارگران و کشاورزان) به‌مراتب بیشتر است، نتیجه می‌گیرند گرایش به خانواده‌هایی با ابعاد کوچک‌تر، مندرج در سطح کشور در حال فزونی است و قسمت اعظم از جامعه مدنظر ما، ۲ تا ۳ فرزند را حد مطلوب می‌دانند (عبدی و گودرزی، ۱۳۹۶: ۲۰۶). در واقع کوچک‌شدن بعد خانواده و تغییر نوع آن بسیار مشخص بوده و به‌نوعی تلویحی در آن سال درباره آن ابراز نگرانی شده است. در دهه‌های آتی با رشد خانواده‌های هسته‌ای این پیش‌بینی -هرچند به‌صراحت به‌منزله پیش‌بینی از آن یاد نشده است- محقق شده است. البته از آنجا که وضعیت فعلی خانواده برای این مقاله مدنظر است، این گزاره تنها نمونه‌ای برای امکان پیش‌بینی در اینجا ذکر شده است؛ یعنی پیمایش‌ها می‌توانند بستر و ابزار مناسبی برای پیش‌بینی‌های اجتماعی باشند.

پیمایش محسنی در سال ۱۳۷۴ که با حمایت شورای فرهنگ عمومی کشور انجام شد نیز به برخی موارد پیش‌بینی پیرامون آینده خانواده پرداخته است. از جمله اینکه او اشاره کرده است مراسم ازدواج با دریافت مهریه، تهیه جهیزیه، اجرای سنت خواستگاری و اجماع در باب آن و نیز پذیرش نقش والدین در ازدواج تداوم خواهد یافت. به معنای دیگر وضعیت خانواده با وجود نگرانی‌های آن دهه نیز باثبات باقی خواهد ماند. البته یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد جوان‌ترها (۱۶ تا ۲۴ ساله‌ها) برای آشنایی پیش از ازدواج، معاشرت با یکدیگر را با درصد بالایی (۷۴/۹ درصد) ترجیح می‌دهند. محقق نیز معتقد است جامعه پدیده‌ای نو را در خود جای می‌دهد (۷۶ و ۷۷)؛ یعنی پیش‌بینی کرده است با نوع جدیدی از آشنایی برای ازدواج روبه‌رو هستیم؛ پدیده‌ای که بعدها در جامعه به‌وفور مشاهده و «آشنایی مدرن» نام‌گذاری شد. مطلب سوم که متناسب با این مقاله در این پیمایش پیش‌بینی شده است، امر فرزندآوری و

درنهایت کاهش بعد خانواده است. محسنی در گزارش پیمایش تأکید می‌کند که موضوع تعدد مولید در حال مطروشدن از سمت جامعه است.

یکی از جامعه‌شناسانی که دغدغه‌هایی را پیرامون آینده خانواده مطرح کرده است، ابادری (۱۳۷۷) است که مصاحبه‌ای پیرامون فروپاشی اجتماعی انجام داده است. مصاحبه او در آن مقطع به قدری مهم بود که همچنان متن مهمی در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و آینده ایران قلمداد می‌شود. او ضمن اشاره جدی به وضعیت خانواده در ایران، در لابه‌لای متن به امتداد این وضعیت و آینده آن پرداخته است. ابادری معتقد است وجود پدیده‌هایی مانند انقلاب و جنگ، اگر ضد خانواده نباشند، حداقل پدیده‌هایی هستند که روابط خانواده را سست می‌کنند. ابادری معتقد است چون دیگر کاملاً مشخص و آشکار شده که خانواده توان حمل بار مسئولیت را ندارد، اگر دولت به سیاست‌های فعلی خود ادامه دهد، دختران بیشتری از خانواده فرار خواهند کرد، جوانان بیشتری معتاد خواهند شد و عده فزون تری افت تحصیلی خواهند داشت. در اینجا او تعبیری را به کار می‌برد که کرکس‌های بیشتری به پرواز درخواهند آمد.

آزادارمکی علاوه بر انتشار مقالات مختلف و پراکنده در طول حدود دو دهه گذشته در حوزه خانواده، کتابی با عنوان *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی* (۱۳۹۵) به رشته تحریر درآورده است. این کتاب بدون اشاره به روش‌های آینده‌پژوهانه، با استفاده از نگاهی جامعه‌شناختی هم از تغییرات اجتماعی و هم در مواردی، درباره آینده جامعه سخن گفته است. علاوه بر این کتاب، او مقاله‌های متعددی در حوزه خانواده تألیف کرده که گاهی در لابه‌لای سطور آن نگرانی به آینده خانواده دیده می‌شود. او در کتاب خود تأکید می‌کند اشکال جدیدی از خانواده در ایران پیدا شده است. همچنین استمرار زندگی بدون همسر زنان و مردان همسرمرده یا طلاق گرفته با فرزند یا بی‌فرزند نیز امروز بسیار شایع شده است؛ درحالی که در گذشته وضعیت به‌گونه‌ای دیگر بود. این وضعیت در آینده و با افزایش آمار طلاق در جامعه ایرانی ابعاد گسترده‌تری نیز خواهد یافت.

در خانواده نیز تغییرات عمده‌ای صورت گرفته است (آزادارمکی، ۱۳۹۵: ۲۹۰). او می‌گوید در آینده شاهد ناتوانی اعضای خانواده‌های جدید در پیوندسازی خواهیم بود. افزایش نرخ طلاق در خانواده‌های ایرانی ریشه در ناتوانی در پیوسته‌شدن آن‌ها با هم دارد. علت طلاق‌ها می‌تواند مشکلات اقتصادی و جنسی عنوان شود، ولی از دیدگاه او دلیل عمده در پیوسته‌شدن زوج‌ها با هم است. بحث ازدواج و طلاق بحث همیشگی جامعه‌شناسان، آسیب‌شناسان فرهنگی، مسئولان و غیره در سال‌های اخیر بوده است. بنا بر آمار امسال نیز مانند چند سال اخیر ازدواج روند کاهشی و طلاق روند افزایشی داشته است. به نظر می‌رسد جامعه ایرانی و به‌طور خاص جامعه شهری تا مدت‌ها بعد نیز در مسیر دوگانه کاهش ازدواج و افزایش طلاق سیر خواهد کرد و این روند در آینده به قدری پیش خواهد رفت که بحرانی‌بودنش برای کنشگران آن ظهور می‌کند (همان).

شکریگی نیز در پژوهشی، نکاتی را درباره بعد و نوع خانواده مطرح کرده است. البته این پژوهش درباره خانواده‌های تهرانی است، اما به‌گونه‌ای تعمیم‌یافته از آن سخن به میان می‌آورد. همچنین با توجه به اینکه در پایان این پژوهش به ارائه راهکارها اقدام کرده، نوعی نگرانی و بیم از آینده را طرح کرده است. از جمله مسائلی که به گمان او خانواده ایرانی با آن مواجه شده است، تجددگرایی بالاست. او معتقد است از آنجا که خانواده تهرانی توانسته رابطه‌ای منطقی میان تجدد و سنت برقرار کند به حراست از سنت‌هایش برآمده و در این حالت سرمایه اجتماعی تنزل نکرده است، بلکه در خانواده‌های سنتی، تجددگرایی با حفظ سنت همراه بوده است (۱۳۹۰: ۲۱۹). وی در نتیجه تحقیق خود معتقد است تجددگرایی مانع اعتقادات مذهبی خانواده‌ها نمی‌شود. این مطلب حاکی از آن است که با وجود همه مشکلاتی که خانواده‌ها دارند، هنجارها و اعتقادات مذهبی خود را در عمل به‌جا می‌آورند. شکریگی در ادامه پیشنهادها اضافه می‌کند پرنسپل کردن خانواده در مقام گروهی مرجع و نه هنرپیشه‌های خارجی و ایرانی باید شکل بگیرد. او در نگاهی

به دنیای مدرن می‌گوید، ساختن زندگی و اندیشهٔ مدرن براساس سنت، به این معنا است که زندگی مدرن را بر داشته‌های میراث اجتماعی نیاکانمان بسازیم. این پیشنهاد هم حاوی نوعی نگرانی از اضمحلال آینده خانوادهٔ ایرانی است.

قانع‌راد هم دیگر جامعه‌شناسی است که به‌نوعی دربارهٔ فروپاشی خانواده، اندازه و نوع آن سخن گفته است. او در کتاب *زوال پدرسالاری* با نگرانی از آیندهٔ خانواده می‌گوید: «با وجود همهٔ توجهات مزبور، برخی از پژوهشگران در موقعیت کنونی از وجود بحران زندگی خانوادگی یاد می‌کنند و نگران‌اند که تداوم وضع موجود، خانواده را دچار فروپاشی سازد» (۱۳۹۶: ۲۴۳). او با هشدار دربارهٔ آیندهٔ خانواده اعلام می‌کند یکی از نگرش‌های رایج در این سال‌ها اداری کردن نهاد خانواده یا اتکا بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دیوان‌سالارانه برای مقابله با مشکلات خانواده است. او تلاش سیاست‌گذاران و دستگاه دولتی برای تصحیح باورها و آداب و رسوم با تلقی آن‌ها را به‌منزلهٔ مزاحم ازدواج، تبدیل رخداد تاریخ خانوادگی به رخداد گروهی و مراسم‌زدایی ازدواج و همچنین بی‌توجهی به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مراسم می‌داند و معتقد است تداوم آن به دگرگونی دلالت‌های فرهنگی خانواده می‌انجامد. او ضمن نقد دخالت دولتی با عناوینی مثل «ساماندهی مهریه» برای مدیریت مسائل مالی ازدواج معتقد است که هم‌زمان نهاد ازدواج دیوانی خواهد شد؛ بنابراین ضمن تقبیح این نوع نگرش معتقد است تداوم این سیاست‌ها و «ساده‌سازی فرهنگی ازدواج» به گسترش ازدواج کمکی نمی‌کند. او این‌گونه اظهارنظر می‌کند که پس از انقلاب اسلامی دیدگاهی مداخله‌جویانه در میان تصمیم‌گیران بخش عمومی پیدا شده که فراتر از تأثیرگذاری در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی (نظام اجتماعی) به قلمروی زندگی روزمره (زیست جهان) نیز نفوذ کرده است؛ از این‌رو آسیب‌شناسی خانواده در ایران ناشی از تلاش برای دیوانی کردن و قضایی کردن این نهاد اساسی اجتماعی است (همان: ۲۴۴-۲۴۵). وی اعلام می‌کند رسمی‌سازی از نهاد خانواده به‌منزلهٔ پاره‌ای از سیستم به مجموعه‌ای از بحران‌ها و آشفتگی‌ها در زمینه‌های سه‌گانهٔ بازتولید فرهنگی، هم‌بستگی اجتماعی و جامعه‌پذیری خانواده می‌انجامد (همان: ۲۴۶). او رویکرد خود را برای جایگزینی با رویکرد موجود یعنی رویکرد سیاستی دولت‌محور، رویکرد سیاستی جامعه‌محور می‌نامد (همان: ۲۴۸) و مقولات زیر را پیشنهاد می‌دهد: توجه به راهبردهای اجتماع‌محور، ایجاد توازن میان نقش‌های اجتماعات محلی، جامعهٔ مدنی و دولت، کاربرد سازوکارهای فرهنگی، افزایش توانمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوانان، تقویت سرمایهٔ اجتماعی خانواده‌ها، اتکا بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها، تقویت نقش و کارکرد نهادهای سنتی در فرایندهای همسریابی، همسرگزینی و ازدواج، نداشتن تراحم مدیریت دولتی با بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی. مقالهٔ حاجیانی و اخلاقی (۱۳۹۸) مهم‌ترین متغیرهای پیشران آیندهٔ خانواده را در دو مجموعه دسته‌بندی کرده است: نیروهای سنتی که نگهدارندهٔ وضع موجود نهاد خانواده ایرانی و عامل تثبیت شرایط تاریخی آن هستند و نیروهای مدرنی که ناشی از تحولات جدید، جهانی‌شدن و تغییرات فرهنگی-اجتماعی درون جامعهٔ ایران هستند. او سپس پیشران نخست را در قالب سیاست‌های اجتماعی-فرهنگی دولت برای تحکیم نهاد خانواده در ابعاد ارائهٔ خدمات و حمایت خانواده، کنترل و نظارت بر خانواده برای کاهش معضلات و تأکید بر شکل مطلوب خانواده به‌صورت رسمی و قانونی مؤثر می‌داند. این مداخلات دولتی که در قالب قوانین و مقررات حمایت رسانه‌ای و تبلیغی، تثبیت هنجارها و فشار هنجاری و حمایت‌های مالی ظهور می‌یابند، مبتنی بر خانواده‌محوری، حفظ اشکال سنتی نظام خانواده و تأکید بر نظام خویشاوندی خواهد بود.

عاملی نگاه خویش به خانوادهٔ ایرانی را با تحلیل روندهای جهانی ارائه می‌دهد. او ضمن تأیید تغییرات خانواده در آینده، تغییر شکل خانواده به لحاظ هویتی و روابط خانوادگی و همچنین خانواده را به‌منزلهٔ نهادی اجتماعی تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی می‌داند که در روندی بنیادین از آن به جهانی‌شدن، جهانی‌گرایی و جهان‌بودگی تعبیر می‌شود و سؤالات جدی را دربارهٔ ساختار خانواده و ارزش خانواده به‌وجود آورده است. او این سؤال را مطرح می‌کند که جهانی‌شدن و به‌دنبال آن دوفضایی‌شدن جهان، تحت تأثیر ظهور جهان مجازی در کنار جهان واقعی، چه پیامدهایی را به لحاظ ارزش‌های اخلاقی در خانواده به‌وجود آورده است

(۱۳۹۰: ۱۵۳). او در اینجا سؤالی مطرح می‌کند که در جهان دوفضایی‌شده جدید، چه تغییرات بنیادینی در خانواده به‌وجود آمده است و تداوم دارد. در پاسخ نیز مهم‌ترین تغییری را که به‌دنبال ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات و شکل‌گیری جهان مجازی رخ داده است، دوفضایی‌شدن خانواده می‌داند و در تبیین اضافه می‌کند این تغییر بنیادین، فرد را به‌صورت نامرئی در ارتباط با جهان دیگری قرار می‌دهد و حوزه خارج از خانه را در خانواده گسترده می‌کند. او با اعلام و انتخاب رویکرد ایرانی-اسلامی اعلام می‌کند که در فضای دوجبهانی‌شده جدید، پایداری ارزش‌های فرهنگی در خانواده، به‌طور جدی به کل ساختار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور و نوع سیاست‌های دولت در این حوزه بستگی دارد. از نگاه او، فهم قدرت فرد و توسعه قدرت انتخاب و شکل‌گیری فضاهای هم‌زمان فرهنگی بر فراز فضای واقعی فرهنگی خانواده ایرانی، سیاست‌گذاری‌های متفاوتی را نیاز دارد. در فضای احترام اجتماعی و احساس به حساب‌آمدن، استمرار و پویایی به سمت شخصیت ارزشی دینی ایرانی حرکت می‌کند و خانواده نیز در این فضا بازسازی قدرتمندی را در تعامل با دیگران خواهد داشت. از سوی دیگر در فضای رهاشده جدید، تأکید بر جنبه‌های برجسته و ایجاد تصویر مشخص کلی از خانواده سالم ضرورتی قطعی است.

۳-۴. ارزیابی صحت پیش‌بینی‌ها

با توجه به مطالبی که بررسی شد می‌توان دریافت نگاه به آینده و پیش‌بینی روندها، دغدغه مرکزی جامعه‌شناسان ایرانی نبوده است. آن‌ها هم از نظر کمیت و هم کیفیت به این موضوع توجه چندانی نداشته‌اند. همان‌طور که مشاهده شد تعداد مقاله و کتاب با این عنوان و موضوع، بسیار ناچیز و محدود بوده و موضوعات دیگری توجه جامعه‌شناسان را جلب کرده است؛ درحالی‌که تغییرات خانواده و روندهای آن یکی از موضوعات مورد مطالعه جهانی است. از سوی دیگر آنانی هم که از آینده خانواده سخن گفته‌اند، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را مطرح و درواقع از اعلام سناریو، هشدار یا آینده‌های پیش‌رو پرهیز کرده‌اند.

جدول ۱. دسته‌بندی میزان صحت پیش‌بینی‌ها

مدل نظری	توجه به عدم قطعیت	عانی بودن	مشارکتی بودن	پیش‌بینی قابل فهم	وضعیت صفر	مسئله واضح	متنولوژی	زمان‌مندی	صحت درونی	جامعه‌شناسی
-	-	-	-	+	+	-	-	-	+	طهرانیان و اسدی
-	-	-	-	+	+	-	-	-	+	محسنی
-	-	-	-	+	-	+	+	-	+	آزادارمکی
-	-	-	-	+	-	-	-	-	+	اباذری
-	-	-	-	+	-	-	-	-	+	شکریبیگی
-	+	-	-	+	-	+	-	-	+	قانع‌راد
+	-	+	+	+	+	+	+	-	+	حاجیان
-	+	-	-	+	-	-	+	-	+	عاملی

اعلام دغدغه و نگرانی جامعه‌شناسانی که نام آنان برده شد و نظریات آنان را مرور کردیم نیز هدفمند و مبتنی بر مطالعه‌ای نظام‌مند نبوده است. بلکه در خلال یک پژوهش، نگاه آسیب‌شناسانه یا اظهارنظر، نوعی نگرانی نیز مطرح شده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، اگر صحت درونی داده‌ها را همان توفیق در هم‌خوانی پیش‌بینی مطرح‌شده با وضع موجود بدانیم، جامعه‌شناسان موفق به پیش‌بینی درست شده‌اند، اما از آنجا که سایر عناصر درست نبوده است، این نوع پیش‌بینی صحیح را می‌توان اتفاقی دانست. خاصه که اگرچه کلیت امر با وضعیت فعلی هم‌خوانی دارد، در مقابل مسئله‌ واضحی پیش‌بینی نشده است؛ برای نمونه از احتمال تغییر شکل خانواده سخن گفته شده است، اما اینکه خانواده به چه شکل و چه میزان تغییر می‌کند، مبهم باقی مانده است. در بخش مطالعات پیشین، مطالعات جهانی به‌صراحت از نوع جدید خانواده‌ها و گاه با درصد تشکیل در جامعه سخن گفته‌اند. علاوه‌براین هیچ‌کدام از جامعه‌شناسان که در بخش آخر به نظریات آنان اشاره شد، زمان دقیقی از پیش‌بینی خویش ارائه نکردند. در صورتی که با توجه به داده‌های مثبتی و پیمایشی می‌توانستند ادعای دقیق‌تری را مطرح کنند؛ چنان‌که در مطالعه طهرانیان و اسدی این موضوع مطرح شده است. در مجموع سایر شاخص‌های صحت پیش‌بینی نیز در نظریات مطرح‌شده دیده نمی‌شود و تنها می‌توان نوعی دغدغه، نگرانی و بیم در نگاه به آینده را در این نظریات دید. شایان ذکر است نظریات آینده‌پژوهانه نیز طی حدود پنج سال اخیر مطرح شده‌اند که در جای خود چشمگیرند، اما از آنجا که آینده‌های مطرح‌شده در آن مقالات و مطالعات، فراتر از مقطع کنونی است، بررسی نمی‌شوند.

۴-۴. منابع خطا در پیش‌بینی‌ها

علم سیاست‌گذاری یا سیاست‌پژوهی، به تحلیل حوزه‌های مشخص سیاست‌گذاری، ارزیابی سیاست‌ها و مطالعه نتایج آن‌ها، فرایند سیاست‌گذاری‌ها و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد و به‌طور طبیعی برای پیش‌بینی سیاست‌های جایگزین و مطالعه کارایی انواع ابزارهای ممکن در عرصه عمل، نیاز به پیش‌بینی دارد. در این راستا جامعه‌شناسی می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاری کند، اما همان‌گونه که گفته شد، جامعه‌شناسی ایران درباره پیش‌بینی اقدام چشمگیری نداشته است. معدود جامعه‌شناسان نام‌برده نیز نتوانستند به‌صورت دقیق برای پیش‌بینی اقدام کنند. در این میان مناسب است به برخی منابع خطا در این باره توجه شود:

توجه به وجوه نظری جامعه‌شناختی و کم‌توجهی به وجوه انضمامی شامل حضور در جامعه سبب شده است به نوعی درک از جامعه به سمت ایران تاریخی برود. توجه به گذشته هر جامعه تأثیر بسزایی در نظریه‌پردازی دارد، اما ماندن در گذشته آفتی برای نظریه‌پردازی و مانعی برای پیش‌بینی خواهد بود.

یکی دیگر از وجوه نظر توجه‌شده، توجه صرف به روندهای جهانی است. البته بسیاری از روندها در ایران، به‌دنبال روندهای جهانی یا تحت تأثیر آن‌ها هستند، اما همه جامعه‌شناسی و نگاه جامعه‌شناختی در فهم روندهای جهانی خلاصه نمی‌شود.

بی‌توجهی به داده‌های مثبتی شامل ارجاع‌نداشتن یا نبود درک درست و صحیح از آن، یکی دیگر از منابع خطای پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته درباره خانواده در ایران است؛ درحالی‌که در مقایسه با کشورهای همسایه، ایران سال‌ها است به تمام‌شماری از جامعه اقدام کرده است و داده‌ها در دسترس هستند.

بی‌اعتمادی به داده‌های نظرسنجی، پیمایش و از دیگر سو نداشتن درک و تحلیل صحیح با آن نیز یکی دیگر از منابع خطای دیده شده است.

توجه به احتمالی بودن و احتمالی دیدن پیش‌بینی در ارائه پیش‌بینی دقیق، اهمیت بسزایی دارد. در عین حال ممکن است برخی پیش‌بینی‌ها نیز نادرست باشند، اما برای پیش‌بینی دقیق باید به قطعیت‌ها و عدم قطعیت‌ها در یک توازن توجه داشت. بی‌توجهی به هر کدام از وجوه گفته‌شده یکی دیگر از منابع خطا بوده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در ایران با دو از نگاه به آینده روبه‌رو هستیم. مدل اول کارهای آینده‌پژوهان در حدود یک دهه اخیر است که در پنج سال گذشته بیشتر و قوی‌تر شده است. نوع دیگر نگاه به آینده جامعه‌شناسان است. آنان تقریباً هیچ‌وقت ادعای پیش‌بینی نداشته‌اند، اما نگرانی‌هایی را از وقوع اتفاقاتی در آینده به‌ویژه درباره خانواده بیان کرده‌اند. میان تمام نظریات جامعه‌شناسان دو مورد به‌صورت مشخص بیان شده است. نخست آنکه هیچ‌کدام ادعای پیش‌بینی آینده خانواده را مطرح نکرده‌اند؛ هرچند اگر در عمل پیش‌بینی کرده باشند. نکته بعد آنکه هیچ‌یک از آن‌ها از روش‌های مرسوم آینده‌پژوهانه در دنیای امروز استفاده نکردند. البته بخش قابل توجه روش‌های تحقیق آینده‌پژوهان نیز برگرفته از جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسی سنت پررنگی در آینده‌پژوهی دنیای معاصر است. با وجود این، در حوزه روش نیز آنانی که از آینده خانواده سخن گفته‌اند، به‌صراحت از روش آینده‌پژوهانه صحبتی نداشته‌اند.

یکی از این شاخص‌ها، صحت درونی داده‌ها بود و گفته شد داده‌های استفاده‌شده برای پیش‌بینی به‌دقت مبتنی بر تأیید جامعه علمی است. واقعیت این است که با مرور پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسان این موضوع تأیید شد که داده‌ها مورد تأییدی را استفاده کرده‌اند، اما از آنجا که مکانیسم استفاده‌شده جامعه‌شناختی نبوده، توجه چندانی به آن نشده است. نه در نسبت به کشورهایی که سال‌هاست برنامه‌ریزی‌های داده‌پایه انجام می‌دهند، در نسبت با جامعه ایرانی، از داده‌های خوبی برخوردار هستیم، اما این داده‌ها به‌صورت فرایندی در جامعه‌شناسی کشور استفاده نشده است. در واقع داده نماد و نمایی از واقعیت اجتماعی است که به تحلیل و تبیین نیاز دارد. تبیین درست و مبتنی بر واقعیت توانایی و قدرت پیش‌بینی را ایجاد می‌کند. گویی تخیل جامعه‌شناختی و تلاش برای نظریه‌پردازی، فارق از داده‌ها در سطح ملی صورت گرفته است و خود شاهد آن است که یا نقصان دارد یا توانایی نظریه‌پردازی وجود ندارد.

در پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، با نبود مدل نظری نیز روبه‌رو هستیم؛ یعنی مشخص نیست بر چه اساسی، پیش‌بینی صورت گرفته است؛ بنابراین در اینجا احتمال درست‌بودن در زمان پیش‌بینی بسیار پایین خواهد بود. در صورتی که اگر از مدل‌های پیش‌بینی استفاده شود، می‌توان با دقت بیشتری برای پیش‌بینی اقدام کرد. در پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته آزادارمکی به‌نوعی تلاش کرده است مدل نظری خاص خود را ارائه دهد. یکی از متغیرهای مفهومی مدنظر او مدرنیته است که در نوشته‌های بعدی مدرنیته ایرانی مشاهده می‌شود. از نگاه او بدون توجه به این مفهوم، تغییرات، تحولات و آینده خانواده را نمی‌توان بررسی کرد. چنانچه با صراحت می‌گوید بررسی خانواده ایرانی بدون درک جامعه جدید در قالب مفهوم «مدرنیته ایرانی» بی‌معنا است. جامعه ایرانی، تحولات و تغییرات آن، سابقه و تنگناها و مشکلات و چالش‌های آن به معنای واکاوی مدرنیته ایرانی به‌وسیله خانواده در ایران است. اگر در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان با تمرکز دانشمندان بر سازمان‌های جدید از قبیل کارگاه، کارخانه، صنعت، دانشگاه، دولت و حکومت توانایی شناسایی ماهیت مدرنیته و تحولات و تغییرات آن ممکن می‌شود، این امر در ایران می‌تواند با تأکید بر نظام اجتماعی سه‌پایه و سه‌محور (خانواده، دین و نظام سیاسی) صورت بگیرد. شاید از همه معین‌تر و روشن‌تر نظام خانوادگی است؛ زیرا در حیات ایرانی همه جا آثار و حضور خانواده ایرانی دیده می‌شود و زندگی ایرانی بدون خانواده امکان تحقق ندارد (لبیبی، ۱۳۹۳: ۲۸). علاوه بر مشخص کردن و برجسته کردن این موضوع، او معتقد است از منظر جمعیت‌شناسان، جامعه‌شناسان اجتماعی و سیاست‌مداران، آسیب‌های اجتماعی معطوف به خانواده اهمیت زیادی دارد. بدین لحاظ وقتی بحث از

خانواده می‌شود، به طرح موضوعاتی چون طلاق، بالارفتن سن ازدواج، مشکلات ازدواج، خشونت علیه زنان و غیره می‌پردازند و مشکلات و آسیب‌ها را در مطالعه خانواده کانونی جلوه می‌دهند، اما باید نگاه جامعه‌شناختی به خانواده ایرانی از نگاه آسیب‌شناختی متمایز شود (همان: ۲۹). او با پیوند مفهوم مدرنیته ایرانی و فراآسیب‌شناسی می‌گوید جامعه ایران دوره گذار را طی کرده است و در مرحله استقرار قرار دارد. او میان دوره گذار و دوره استقرار در ایران تفاوت قائل است و می‌گوید خیلی‌ها با کلیشه‌ای با عنوان «دوره گذار» قصد توضیح مسائل را دارند. در واقع با ارجاع به بی‌ثباتی موجود، مشکلات را در قالب ساحت آسیب‌شناسانه آن نشان به تصویر می‌کشند (آزادارمکی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). از دیگر سو ضمن اشاره به پدیده‌هایی مثل ازدواج سفید معتقد است این پدیده به شکلی از قدیم در ایران وجود داشته است، اما در سال‌های اخیر در شهر تهران بیشتر دیده می‌شود. بلافاصله اشاره می‌کند بیشتر دیده‌شدن این پدیده به معنای فراگیری آن نیست؛ چون ما هنوز به لحاظ آماری از میزان پراکندگی و مواجهه افراد و گروه‌های اجتماعی با آن اطلاع نداریم (همان: ۲۹۸). چنین نگاهی واجد تلاش برای آزمون نگره در سطح ملی است. البته خود او به این مورد پایبند نیست و بدون توجه به داده‌ها در جایی دیگر اظهارنظر داشته است. آزادارمکی همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که در حوزه تغییرات خانواده ما موفق به کشف منطق آن نشده‌ایم و چون شاهد تمایز یافتگی بسیاری هستیم، می‌گوییم این امر نشانه فروپاشی خانواده ایرانی است. او در تلاش برای نگاه منظم و مدل‌سازی، معتقد است خانواده ایرانی ساحت جدیدی یافته و از قضا اکنون بیش از پیش خانواده شده است. نظام مفهومی به ما کمک می‌کند بحث را به درستی مطرح کنیم. انتقاد دیگری که در آرای آزادارمکی مطرح و سبب شده است نگاه او به آینده خانواده شکل بگیرد، افزودن نگاه تاریخی است. او معتقد است نگاه تاریخی موجب می‌شود ما خانواده را در کلیت نظام اجتماعی و در سطح جهانی ببینیم نه اینکه خانواده ایرانی را تنها در ایران یا فقط با خانواده دیروز ایرانی مقایسه کنیم. او تأکید می‌کند قضاوتی که زنان و مردان درباره خانواده ایرانی امروز می‌کنند، لزوماً نباید ملاک ارزیابی ما باشد (همان، ۱۳۹۵: ۳۰۰). این موارد و موارد مشابه در اندیشه سایر جامعه‌شناسان دیده نشده است.

یکی دیگر از خلأهای پیش‌بینی مشاهده‌شده، زمان‌مند نبودن پیش‌بینی‌هاست؛ بدین معنا که کسی نگفته است در افق زمانی خاصی، خانواده ایرانی با وضعیت جدیدی مواجه می‌شود. نداشتن زمان‌بندی درست سبب می‌شود فضای علمی و فضای سیاست‌گذاری درباره پیش‌بینی‌ها بدبین شوند. در این صورت هر احتمالی امکان اینکه آن‌ها روزی محقق بشوند وجود دارد. به‌طور کلی به این نوع نگاه نمی‌توان پیش‌بینی گفت. زمان‌مند شدن پیش‌بینی‌ها از آنجا که کمک شایانی به برنامه‌ریزی‌ها می‌کند، امکان تأثیرگذاری بیشتری را برای جامعه‌شناسی فراهم می‌کند؛ چنان‌که در کشورهایی که استفاده از ظرفیت داده برای برنامه‌ریزی فراهم شده است، بازار پیش‌بینی‌های اجتماعی رونق دارد. از دیگر مشکلات صحت‌نداشتن پیش‌بینی‌ها که به مسئله زمان بازمی‌گردد، نداشتن وضعیت صفر است؛ در حالی که با انجام طرح‌های سرشماری به‌صورت منظم، امکان طراحی وضعیت صفر برای تحلیل و تبیین وجود دارد. اگر این کار به‌صورت دقیق و مشخص صورت می‌گرفت، علاوه بر پیش‌بین، پیش‌بینی قرین به صحت نیز داشتیم.

یکی دیگر از مسائل نامشخص بودن پیش‌بینی‌ها، مشخص نبودن فرایند و متدولوژی پیش‌بینی است. در واقع در برخی موارد نگاهی جامعه‌شناختی حاکم نبوده است؛ برای نمونه در برخی موارد شامل درهم‌آمیختگی و پیوستگی استفاده از داده‌های کمی و کیفی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، دستگاه نظری استفاده‌شده نیز جامعه‌شناسانه نبوده، بلکه تلفیقی از نگاه‌های موجود علمی بوده است. ذکر اشکال دیگری در همین جا خالی از لطف نیست که در متون واحد تحلیل، موضوع و مسئله واضح و مشخص هم نبود. همین امر نگاه به آینده و جامعه را نیز مخدوش کرده است؛ زیرا به هر میزان مسئله تحقیق روشن باشد، فرایند مطالعه دقیق‌تر خواهد بود. همین امر سبب شده است پیش‌بین‌ها نیز مشخص و مفهوم نیست و اطناب بسیار و کلی‌گویی دارد. مسئله دیگر مخدوش بودن صحت پیش‌بینی مشارکتی نبودن پیش‌بینی و قضاوت‌های شخصی تحلیلگر است. اگر استفاده از ظرفیت‌های سایر اندیشمندان یا مؤسسات

نظرسنجی امکان ارتقای نگاه برای آینده را به صورت طبیعی به وجود بیاورد، همین امر سبب می‌شود پیش‌بینی اجتماعی در ایران نیز چندان علنی و آشکار نباشد. در پایان نیز باید توجه داشت جامعه‌شناسان چندان به موقعیت‌های عدم قطعیت توجه نداشته‌اند؛ زیرا با اشاره به آنان امکان پیش‌بینی دقیق‌تر فراهم بود.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده سوم با عنوان «تبیین امکان پیش‌بینی‌پذیری تغییرات خانواده ایرانی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

۶. منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۸۱). فروپاشی خانواده. نشریه آفتاب، ۲(۱۹)، ۳۲-۴۱.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۵). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: تپسا.
- باومن، زیگموند (۱۳۸۷). عشق سیال. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- تورن، آلن (۱۴۰۰). بازگشت کنشگر. ترجمه سلمان صادقی‌زاده. تهران: ثالث.
- حاجیانی، ابراهیم و رضایی، علی‌اکبر و فلاح‌زاده، میرزا عبدالرسول (۱۳۹۱). اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۲)، ۵۵-۹۰.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۶). مطالعات آینده و نقش آن در بررسی‌های استراتژیک. فصلنامه راهبرد، ۴۵، ۲۸۰-۲۹۹.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰). معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده‌پژوهی، ۲۰(۵۹)، ۷۵-۱۰۵.
- حاجیانی، ابراهیم و اخلاقی، آریتا (۱۳۸۹). آینده‌نگری تحولات ساختار خانواده. همایش ملی آینده‌پژوهی مسائل خانواده در ایران. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- زایدرفلت، آنتون (۱۴۰۰). جامعه انتزاعی. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: ثالث.
- شکریگی، عالیبه (۱۳۹۰). مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی (درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران). تهران: جامعه‌شناسان.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰). مطالعات جهانی‌شدن؛ دوفضایی‌شدن‌ها و دوجلهانی‌شدن‌ها. تهران: سمت.
- عباس‌زاده، محمد، عزیززاده اقدم، محمدباقر و اسلامی بناب، سید رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۱)، ۱۴۵-۱۷۲.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۹۶). صدایی که شنیده نشد. تهران: نشرنی.
- قانع‌راد، محمدمبین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری؛ فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی؟. تهران: نقد فرهنگ.
- کیوی، ریمون (۱۳۸۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. تهران: علم.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴). آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ایرانی. تهران: شورای فرهنگ عمومی کشور.
- میچل، ملانی (۱۴۰۰). سیری در نظریه پیچیدگی. ترجمه رضا امیررحیمی. تهران: نشر نو.
- وکیلی، شروین (۱۳۸۹). نظریه سیستم‌های پیچیده. تهران: نقد افکار.

Abazari, Y. (2002). Family breakdown. *Aftab*, 2(19), 32-41. (In Persian)

Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M. B., & Eslami Bonab, S. R. (2012). A Studying the relations between social capital and social anomy. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(1), 145-172. (In Persian)

Abdi, A., & Gouderzi, M. (2016). *A voice that was not heard*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)

Abercrombie, N. (2007). *Sociology*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Nashre Ney. (In Persian)

Ameli, S. R. (2012). *Globalization Studies; Two-spatializations and two-worldizations*. Tehran: Samt. (In Persian)

- Azadaramaki, T. (2016). *Changes, challenges and future of the Iranian family*. Tehran: Tisa Publications. (In Persian)
- Bauman, Z. (2008). *Liquid love on the frailty of human bonds*. Translated by: E. Sabeti. Tehran: Qaqnoos. (In Persian)
- Hajiani, E. (2006). Future studies and its role in strategic reviews. *The Scientific Journal of Strategy*, 15(3), 280-299. (In Persian)
- Hajiani, E. (2019). Methodological evaluation criteria of future study techniques. *Strategy Quarterly*, 20(59), 75-105. (In Persian)
- Hajiani, E., & Akhlaghi, A. (2009). Foresight of changes in family structure. *National Conference on Family Issues in Iran*. Strategic Research Center of Expediency Analysis Council. (In Persian)
- Hajiani, E., Rezaei, A. A., & Falahzadeh, M. A. R. (2012). Social Confidence in Urban Management and the Factors Affecting It. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(2), 55-90.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2012.36556> (In Persian)
- Labibi, M. M. (2014). *Family in the 21st century*. Tehran: Elm. (In Persian)
- Legkauskas, V., Stankevičienė, D. (2009). Premarital Sex and Marital Satisfaction of Middle Aged Men and Women: A Study of Married Lithuanian Couples. *Sex Roles* 60, 21–32.
- Mitchell, M. (2021). *Complexity: A guided tour*. Translated by: R. Amirrahimi. Tehran: Nashre Now. (In Persian)
- Mohseni, M. (1975). *Iranian social and cultural awareness, attitudes and behaviors*. Tehran: General Culture Council of the Country. (In Persian)
- Qaneirad, M. A. (2016). *Decline of patriarchy; The collapse of the family or the rise of the civil family?*. Tehran: Naqd Farhang Publications. (In Persian)
- Shekarbeigi, A. (2019). *Modernism and social capital (introduction to the sociology of the family in Iran)*. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Touraine, A. (2021). *Return of the actor: Social theory in postindustrial society*. Translated by: S. Sadeghizadeh. Tehran: Saless. (In Persian)
- Vakili, Sh. (2010). *Theory of complex systems*. Tehran: Naqdafkar publishing company. (In Persian)
- Zijderveld, A. (2021). *The abstract society: A cultural analysis of our time*. Translated by: M. Abdullahzadeh. Tehran: Saless. (In Persian)